

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶۵ - ۲۵۳

پرورش فضایل فردی و اجتماعی در مقارنه تورات و قرآن

محمد علی حقدل^۱سعید عباسی نیا^۲علیرضا غلام پور^۳هادی رزاقی هریکنده ئی^۴

چکیده

پرورش فضیلت‌های اجتماعی که برآیند توجه به فضائل فردی است، یکی از مهمترین آموزه های کتابهای مقدس ادیان است، قرآن جهت حفظ و پرورش فضایل فردی اوامر و نواهی شرعی را برای حفظ شخصیت انسانی و رشد آن مطرح کرده و با ارتقای سطح تعالیم کتاب مقدس، فصل جدیدی از تعامل و رویکردهای اخلاقی در روابط انسانی ایجاد کرده است، تورات کتاب مقدس دیگری است که از این بعد مورد مطالعه قرار گرفته است، اما بر خلاف قرآن، در قانون اخلاقی تورات بین شخص یهودی و غیریهودی دیواری از تمایز وجود دارد که سبب عدم امکان تعمیم تعالیم آن به همه نوع بشر شده است، در تعالیم آن آمده است: مهر و عاطفه یهودی نباید به سطح غریبه ها برود، در این تعالیم مثلاً سود ربا برای هم کیش خود ممنوع و برای غیر هم کیش مجاز دانسته شده است و در موارد متعددی پیروان سایر ادیان را دون افراد یهودی و از آنها به عنوان برده و کنیز یاد شده است. در این تحقیق بین تعالیم قرآن و تورات در خصوص فضایل فردی و اجتماعی مقارنه ای صورت گرفته و در آن سعی شده است به دور از تعصب مذهبی و بر پایه حقایق، زمینه را برای دستیابی مخاطبان به تفاوت دیدگاه قرآن و تورات در این زمینه فراهم کند.

واژگان کلیدی

فضایل، فردی و اجتماعی، تعالیم تورات، تعالیم قرآن.

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: Haghdelmohammadali2@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sa.abbasinya@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: Gho.ali2198@gmail.com

۴. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: razaghi@nit.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

طرح مسأله

چگونگی پرورش فضائل فردی و اجتماعی در مقایسه آموزه های این دو کتاب آسمانی قابل دریافت است، مثلاً با مقایسه داستانهای قرآن و داستانهای عهد عتیق، تفاوت آشکاری بین آنها در محتوا، هدف و سبک دیده می‌شود. داستان های قرآن بر خلاف تورات، انعکاسی از فضائل و خوبی هاست و در آنها عصمت پیامبران به زیباترین شکل ممکن تبیین شده و روش بیان داستان های قرآن مبتنی بر هدایت، عبرت و موعظه در راستای دعوت اسلامی است. در قرآن داستان ها تاریخی و صادقانه هستند، برخلاف داستان های تورات، که دارای جزئیاتی اند که ذهن را از تعمق و تفکر منحرف می‌کنند.

سبک قرآن، بیان اهم نکات اخلاقی و آموزه های عبرت آمیز و موعظه ای در جهت سوق دادن نوع بشر به فضائل اخلاقی و در نهایت هدایت بشر به سوی سعادت دنیوی و اخروی است و نه داستان پردازی صرف، در حالیکه در تورات، داستان ها با جزئیاتی بعضاً غیر واقعی و دور از انسانی نقل شده و گاهی نیز هدف مقدسی در نقل این داستان ها وجود ندارد. انگیزه و هدف در قرآن به عنوان هسته و مغز اصلی عمل اخلاقی جامع و فراگیر ترسیم شده است و در آن، با ارتقای سطح تعالیم کتاب مقدس، فصل جدیدی از تعامل و رویکردهای اخلاقی در روابط انسانی ایجاد شده که با تبیین قانونمندی در رفتار، نجابت در ظاهر، و وضع قوانین و احکام مترقی راهی به سوی تمدن اخلاقی باز شده است. در قانون اخلاقی تورات بین شخص یهودی و غیر یهودی دیواری از تمایز وجود دارد و این در حالی است که قرآن به ما می آموزد که خارج از برادری در دین، برادری در آفرینش وجود دارد. (حجرات/۱۰-۱۳) و تفاوت در احساسات مذهبی نمی تواند مانع از مهر ورزیدن و احسان به برادرانمان شود (ممتحنه/ ۸) و یا اینکه ظلم و ستم کافران بر ما نباید ما را به تجاوز سوق دهد یا در برخورد با آنها بی انصاف سازد. (مائده/ ۸)

لذا از پنجره ی مقارنه اخلاقیات و فضائل در تعالیم قرآن و تورات می‌توان به میزان حقانیت و نیز تحریف یا عدم تحریف این کتابهای آسمانی پی برد.

روش تحقیق

روش تحقیق برپایه مراجعه به متون قابل دسترس از کتابهای مقدس، منابع دینی معتبر از جمله کتابخانه ای و فضای مجازی بوده و نتایج یافته‌ها به صورت یک مدل مفهومی، پایه فرضیه‌ها و سئوالات این پژوهش قرار گرفته است و با در نظر گرفتن ابزارهای متعدد فرهنگی اثرگذار و با تاکید بر ارزشمندی متغیرهای انگیزشی بیرونی و بازنشر شدن به عنوان الگویی ارزشمند، به صورت غیرمستقیم بر مولفه های بیرونی تاکید شده در این شرایط پرورش افراد خداباور با ایمان و خودکارآمد که متاثر از هدف اساسی خلقت به تفکر پرداخته و مسیر زندگی

خود را بر اساس رشد و پرورش فضیلت ها تنظیم کنند، نیاز به تبیین بایسته دارد و بنابراین آنچه گفته شد، در تبیین پرورش فضائل فردی و اجتماعی در تعالیم کتابهای آسمانی قرآن و تورات مقایسه‌ای مفهومی و بر پایه اطلاعات احصا شده از متون در دسترس از این دو کتاب صورت گرفته است.

تعاریف و مفاهیم

فضائل: [ف آ] [ع] [ج] فضیله. (از منتهی الارب) (اقرب الموارد). (virtue) مقابل ردایل، جمع فضیلت به معنای رجحان، صفت نیکو، برتری، مزیت، فزونی (از منتهی الارب): آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید. (کلیله و دمنه) فضیلت های اصلی عبارتند از: شجاعت، عفت و حکمت (فرهنگ فارسی معین). فضایل اصلی را چهار دانسته اند که یکی از آنها هم عدالت است. (دهخدا، فرهنگ لغات) واژگان مرتبط: دانش، علم، اطلاع، دانایی، حکمت، خرد، عقل، فضل و دانش، دانشوری، تحقیق، فضل و کمال، یادگیری، فراگیری، تتبع، تحقیق علمی.

مثال: کدام فضیلت از این فراز که از امت به امت و ملت به ملت رسید و مردود نگشت (کلیله و دمنه)، دانش و حکمت، پایه ی بلند در فضل (منتهی الارب). مترادف آن: برتری، تقوا، کمال، مزیت، معرفت.

در سیر تاریخی، سوفسطائیان نخستین متفکرانی بودند که اصطلاح فضیلت را به کار برده اند- هرچند مقصود آنها از تحصیل فضیلت، فضیلت سیاسی بود- سپس سقراط آن را به حوزه اخلاق (فضائل نفسانی) وارد کرد و با معرفت یکسان انگاشت. در دوره بعد، ارسطو قلمرو آن را به فضائل عقلانی توسعه داد و عموم مشائیان نظر وی را با اندک تفاوتی پذیرفتند. ویژگی اصلی اخلاق مشائی ارسطویی درباره مساله فضیلت، مبتنی بر انسان محور بودن، تفکیک اخلاق از دیانت و محور قرار گرفتن ماهیت است. در این دیدگاه، فضیلت کیف نفسانی است که بر نفس عارض می گردد. می توان گفت کسب فضیلت علاوه بر تبیین رابطه انسان با سیاست و حکومت و هموعانش (رابطه انسان با انسان)، بیانگر رابطه عمیق انسان با خدا و ابزار و وسیله قرب به خدا و دست یافتن به سعادت ابدی است. (بهارنژاد، ۱۳۹۲)

قرآن کریم: [ق] [ع] (مص) (quran) فراهم آوردن و گرد کردن چیزی را به چیزی گویند: قرأ الشیء قرأناً (از باب نصر و فتح). || بچه دادن حامل. گویند: قرأت الحامل قرأناً؛ بچه داد آن حامل (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). || قرائت. قرء. خواندن (منتهی الارب). مترادف آن: کتاب الله، کلام الله، مصحف، فرقان. (دهخدا، فرهنگ لغات)

قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان است که به وسیله جبرئیل به حضرت

محمد(ص)، وحی شد. مسلمانان محتوا و الفاظ قرآن را نازل شده از سوی خداوند می‌دانند و معتقدند قرآن، معجزه و نشانه پیامبری حضرت محمد(ص) و آخرین کتاب آسمانی است. این کتاب بر معجزه بودن خود تأکید کرده و دلیل اعجازش را آن دانسته است که کسی نمی‌تواند مانندی برای آن بیاورد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵/۱)

در قرآن از موضوعات گوناگونی چون مسائل اعتقادی، اخلاق، احکام شرعی، داستان‌های گذشتگان، مبارزه با منافقان و مشرکان سخن به میان آمده است. برخی از مضامین مهم قرآن عبارت است از: توحید، معاد، رویدادهای صدر اسلام همچون غزوات پیامبر اسلام، قصص القرآن، احکام عبادی و حقوقی و جزایی دین اسلام، فضایل و ردایل اخلاقی و نهی از شرک و نفاق. (خرمشاهی، بی تا)

تورات: (towrAt) تورات کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است. در آیات متعددی از قرآن درباره تورات سخن گفته شده و این کتاب را نازل شده بر حضرت موسی(ع) و کتاب آسمانی بنی‌اسرائیل معرفی کرده است. قرآن همچنین حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) را تأیید کننده این کتاب معرفی نموده است.

این کتاب شامل پنج سفر اول کتاب مقدس است، یهودیان این کتاب را نازل شده بر حضرت موسی(ع) می‌دانند. نام‌های متعددی برای این کتاب استفاده شده است اما با توجه به ارزش و جایگاه این کتاب‌ها به کل کتاب مقدس یهودی نیز تورات گفته می‌شود.

به گفته برخی از پژوهشگران، نگارش ۳۹ کتاب عهد عتیق از قرن دهم تا قرن دوم قبل از میلاد یعنی پنج قرن بعد از وفات موسی (ع) بوده است؛ به هر حال مجموعه رسمی کتاب مقدس کنونی، تا روزگار مسیح و پس از آن، یعنی تا نیمه اول قرن دوم میلادی، شکل نهایی خود را بازنیافته بود. (توفیقی، ۱۳۹۸)

متن عهد قدیم در طول بیش از ۱۰۰۰ سال نگاشته و قدیمی‌ترین متون آن مربوط به ۳۵۰ سال بعد از موسی می‌باشد. تدوین بخش تورات؛ از قرن یازدهم ق.م آغاز گردید و حدود قرن ۴ ق.م به انتها رسیده است، مطابق آنچه در تاریخ یهود بیان شده است تورات مشتمل بر دو نسخه است:

۱) نسخه عبری، این نسخه به جز بخشی از آن به زبان عبری نوشته شده و مشتمل بر ۳۹ کتاب و شامل سه بخش است: تورات، کتب انبیا که خود شامل دو بخش انبیای متقدم و انبیای متأخر و بخش سوم مکتوبات است. نام تنخ اشاره به همین مطلب دارد.

۲) ترجمه سبعینیه به زبان یونانی است. این کتاب برای یهودیان اسکندریه و به دستور حاکم مصر نوشته شد و دارای ۴۶ کتاب است، اما در نسخه عبری کتاب‌های اضافی موجود

نیست. (سلیمانی، ۱۳۸۵:۲۱)

یافته های تحقیق

سبک زندگی اسلامی، برگرفته از تعالیم قرآن کریم از آن جهت که «سبک» است، به رفتار می پردازد و با شناخت ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که «اسلامی» است، نمی تواند بی ارتباط با عواطف و شناخت ها باشد. بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی، رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می گیرد؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل هایی از شناخت ها و عواطف اسلامی را پشتوانه ی خود قرار دهد. مؤلفه های پروش فضائل، عبارتند از: فردی، اجتماعی و عبادی، با این فرض که بر عکس تورات، جامعه پذیری و جمع گرایی در بطن اسلام است و عبادات جمعی مانند نماز جمعه، وقوف عرفات و نماز عید، جهاد، برأت از مشرکین و احکام دیگر نقش عبادی فرد در اجتماع و سازمان را نشان می دهد؛ چنان که در نماز جماعت، فقیر و غنی در صفی زیبا و آراسته در کنار رهبران خود، در یک موقعیت، یک جهت و یک دعا، می ایستند و هر یک از آنها بقیه را دعا می کند (ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم). (حمد/ ۶۵). همه آنها، نه تنها برای خود، بلکه برای همه بندگان صالح خدا در هر موقعیت مکانی و زمانی، خواهان سعادت هستند.

در خصوص نگرش به زن، آنچه در عهد عتیق قابل ذکر است، زن، منشأ همه شرها و مثل تور است. قلب او دام و دستانش زنجیر است. در سفر جامعه آمده است: "من و قلبم به دانستن و جستجوی حکمت و خرد روی آوردیم و فهمیدیم که شر همان جهالت، و حماقت همان جنون است... من مسئله مرگ را پیدا کردم: زنی که تور است، و قلب او دام است و دستانش زنجیر است؛ صالحان را خدا از آن نجات بخشد و شخص خطاکار به بند آن گرفتار آید (سفر الجامعه، ۷: ۲۵، ۲۶).

و اما اسلام، زن را در موضعی برابر با مردان قرار می دهد و بسیاری از الگوهای کامل برای زنان مورد توجه قرار می گیرند مانند: مریم، دختر عمران و زن فرعون و مادر موسی و بسیاری دیگر، در آموزه های قرآن زن در انجام مسئولیتهای شخصی و جمعی و همچنین دریافت پاداش برای اعمال نیکش با مرد برابر است. او به عنوان یک شخصیت مستقل، دارای کیفیتهای انسانی و قابل تمایلات معنوی شناخته شده است. طبیعت انسانی او نه پست تر و نه منحرف تر از مرد است. هر دو اعضای یکدیگرند. خداوند می فرماید:

«پس خدای آنها دعایشان را مستجاب کرد (و فرمود): عمل هیچکس را، از مرد و زن بی مزد نگذارم. شما از یکدیگرید...» (آل عمران/ ۱۹۵). قرآن هرگز افرادی که متمایل به تعصب بر علیه زنان و یا تبعیض میان زن و مرد هستند را نمی پذیرد. قرآن بارها و بارها کسانی را که

معتقد بودند زنان پست‌تر از مردان هستند مورد سرزنش قرار می‌دهد.^۱

در قرآن نیت، انگیزه و هدف به عنوان هسته و مغز اصلی عمل اخلاقی جامع فراگیر ترسیم شده است. موسی (ع) برای ایجاد انگیزه در قوم خود، آنها را به امید سرزمین موعود، با پیروزی بر دشمنان و برکت و سعادت در همه امور زندگی دنیایی برانگیخت و مسیح (ع) برای آغاز فصل جدیدی در دعوت دینی آمد. انجیل برای ما روشن می‌سازد که نعمتهای جاویدان و سعادت موعود در این جهان نیست. امیدها و آرزوهای مادی و دنیوی، از آن به بعد باید زندگی دنیوی را ترک کنند و به آسمان بروند، ولی قرآن کریم با رویکرد سازنده خود، این دو قول را با هم ترکیب کرده و آنها را آشتی می‌دهد؛ هدفی که انسان فاضل باید دنبال آن باشد، نه پادشاهی آسمان است و نه پادشاهی این جهان. بلکه از همه اینها بالاتر است، که آن خیر مطلق، یعنی رضایت خداوند است، که باید با انجام دستورات او هنگام انجام کارهای خوب به قلب او خطور کند.^۲

ما در اهل کتاب الگویی از روابط بین الملل در راستای هم زیستی مسالمت آمیز نداریم. از طرفی، یهودیت و مسیحیت در زمان پیدایش خود، فرصت برقراری روابط با کشورهای متخاصم را نداشتند. حتی دعوت مسالمت آمیز عیسی در تضاد با جنگهایی بود که موسی علیه ملت‌های همسایه، رهبری کرد اما اوضاع در مورد پیامبر (ص)، در طی ده سالی که با ملت‌ها و مذاهب مختلف روابط دائمی داشت، گاه صلح آمیز و گاه خصمانه، کاملاً متفاوت بود. همین شرایط خاص است که ایشان را، به سیاستمدار و رهبر تبدیل کرد. در اسلام، پیمان‌های منعقد شده با دشمن، هر چقدر هم که شرایط انعقاد آنها نابرابر باشد، محترم است. معاهده‌ای که بین طرفین امضا شده است، ملزم به رعایت آن هستیم، حتی اگر بر خلاف ما باشد: (وَأَوْفُوا بعهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ^۳ و حتی اگر دشمن شروع به شکستن توافق خود کند، ما حق نداریم به طور غافلگیرانه به او حمله کنیم؛ اما ابتدا باید اعلام کنیم که او عهد خود را با ما به روشنی لغو کرده است: (وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ^۴)

مقارنه قرآن و تورات در موضوع فضائل

معنویت و مشتقات آن در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی، رواج یافته است. واژه معنوی، منسوب به معنی و در مقابل لفظی است (ابن منظور ۱۴۰۵، ق). فضائل

۱. رج: نحل / ۵۷-۵۹ و مریم / ۵۹ و نجم / ۲۱-۲۳

۲. رج: بقره ۲۷۹ و لیل ۱۹-۲۱

۳. رج: نحل / ۹۱

۴. رج: انفال / ۵۸

در مقابل ردائیل در دایره معنویات قرار گرفته و یکی از بسترهای اشاره به این موضوع داستانهای روایت شده در کتابهای مقدس و آسمانی است.

با مقایسه داستانهای قرآن و داستانهای عهد عتیق، تفاوت آشکاری بین آنها در محتوا، هدف و سبک دیده می‌شود. داستان های قرآن بر خلاف تورات، انعکاسی از فضائل و خوبی هاست و در آنها عصمت پیامبران به زیباترین شکل ممکن تبیین شده است. روش بیان داستان های قرآن مبتنی بر هدایت، عبرت و موعظه در راستای دعوت اسلامی است و قرآن، همه داستانهای تورات را نقل نکرده است.

داستان های قرآنی تاریخی و صادقانه هستند، برخلاف داستان های تورات، که دارای جزئیاتی اند که ذهن را از تعمق و تفکر منحرف می‌کنند. از جمله موارد قابل ذکر:

۱- تورات شیخ الانبیاء حضرت نوح (ع) که مرد صبور، شاکر و هدایتگر می باشد را به صورت مست و برهنه به تصویر می‌کشد در حالی که پسر کوچکش بر او وارد می شود و در نهایت برادر بزرگترش می آید و عورت پدر را می پوشاند؛ درحالی که قرآن این دروغ ها را آشکار و آنها را رد کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱/۱۶-۹۶)

۲- لوط (ع) پیامبر بزرگواری که خدا به او حکم و دانش داد، مورد وحشتناکترین اتهامات یعنی توطئه دو دخترش قرار می گیرد، آن گونه که به او شراب دادند و همبستر شدند و او متوجه نشد. (همان)

۳- ابراهیم خلیل الله که تصویر زشتی از او در حال معامله همسر زیبایش با پادشاهان برای پیروزی و غذا خوردن ارائه می‌دهند، همانطور که تاجران یهود تا به امروز این کار را می‌کنند. (کتاب اول پادشاهان، فصل ۱۶)

خدا، در قرآن ابراهیم را که به تنهایی ملتی بود مطیع خداوند، از این بهتان عظیم پاک کرد
«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل / ۱۲۰)

۴- یهودیان، حرمت پدرشان یعقوب (ع) را با به تصویر کشیدن صحنه هایی همچون دزدیدن نبوت از برادرش و سواستفاده از حماقت پدرش، شکستند. اما قرآن، یعقوب را به زیباترین شکل، یعنی وفاداری و عشق به فرزندش و با عقل و کمال بصیرت به تصویر کشید. همانطور که در سوره یوسف (ع) آمده است.

قرآن با ارتقای سطح تعالیم کتاب مقدس، فصل جدیدی از تعامل و رویکردهای اخلاقی در روابط انسانی ایجاد می کند و با تبیین قانونمندی در رفتار، نجابت در ظاهر، رعایت عفاف و حجاب و یا کنترل زینت ها برای همسر راهی به سوی تمدن اخلاقی باز می‌کند و در جهت حفظ و پرورش فضایل فردی علاوه بر اوامر و نواهی، با انذار و تبشیر، به حفظ شخصیت انسانی و رشد آن توجه کرده است. **يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمُرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجَسٌ**

مَنْ عَمِلَ الشَّيْطَانَ فَأَجْتَبِيَهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ (مائده/۹۰)

دستورات اسلام به سلام کردن در مواجهه با دیگران، تحیت و گرفتن اذن دخول در وارد شدن به اماکن، اجازه اطفال در سه وقت هنگام وارد شدن به اتاق پدر و مادر و... می‌تواند از این نمونه‌ها باشد و یا وقتی قرآن با ظرافت تمام روابط بین افراد خانواده و دوستان را ترسیم می‌کند، «وَاِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُو الْقَرْبَىٰ... فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء/۸) می‌توان به تفاوت فاحش قرآن به عنوان معجزه‌ای جاودان برای هدایت مردم تا روز قیامت و کتاب مقدس پی برد. چه آنکه در قانون اخلاقی تورات بین شخص یهودی و غیر یهودی دیواری از تمایز وجود دارد، مهر و عاطفه یهودی نباید به سطح غریبه‌ها برود (شما نباید به برادر خود با سود ربای نقره، یا ربا از طریق غذا، یا هر چیزی که در ربا داده شده، قرض بدهید. به یک خارجی می‌توانید ربا دهید، اما به برادر خود ربا نخواهید داد. (سفر تثیبه ۲۳: ۱۹-۲۰) " از اجنبی بگیرید ولی آنچه را که نزد برادر خود دارید، دست خود را از آن بازدارید. (همان، ۱۵: ۳) و اگر برادرت نزد تو فقیر شد و به تو فروخته شد، او را به بردگی نکش. با خشونت بر او حکومت نکن، بلکه از خدای خود بترس. و اما نوکران و کنیزانی که مال شما هستند، آنها از مردمان اطراف شما هستند. از آنها بردگان و کنیزان می‌خرید و همچنین از پسران شهرک نشینانی که با شما اقامت گزیدند، و از آنها خرید خواهید کرد و در میان خانواده‌های آنها که نزد شما هستند در سرزمین شما به دنیا می‌آورند و آنها مال شما خواهند بود، شما آنها را برای فرزندان خود، پس از خود به عنوان میراث پادشاه به ارث خواهید گذاشت. شما آنها را برای همیشه برده خواهید کرد. در مورد برادران شما، بنی اسرائیل، هیچ کس نباید با برادر خود با خشونت رفتار کند. (لاویان ۲۵: ۳۹-۴۶)

اما قرآن به ما می‌آموزد که خارج از برادری در دین، برادری در آفرینش وجود دارد. (حجرات/۱۰-۱۳) و این که تفاوت در احساسات مذهبی نمی‌تواند مانع از مهر ورزیدن و احسان به برادرانمان شود. (ممتحنه/۸) و اینکه ظلم و ستم کافران بر ما نباید ما را به تجاوز سوق دهد یا در برخورد با آنها بی‌انصاف باشیم. (مائده/۸) معامله ربا با هر انسانی ممنوع است. (بقره/۲۷۸)

جامعه‌پذیری و جمع‌گرایی بر عکس کتاب مقدس در بطن اسلام است. عبادات جمعی مانند نماز جمعه، وقوف عرفات و نماز عید، جهاد، برائت از مشرکین و احکام دیگر نقش عبادی فرد در اجتماع و سازمان را نشان می‌دهد. بیشترین تشابه میان قرآن و کتاب مقدس در داستان‌های پیامبران است که غالب آنها در مکه نازل شده است و جالب این که طولانی‌ترین داستان‌های تورات را در جزئیات خود ارائه می‌دهند. اهل کتاب علوم خود را جز به مقدار اندک آشکار نمی‌کردند و آن را در انحصار خود داشتند که این امر در قرآن بیان شده است. (انعام/۹۱ و آل عمران/۷۸)

مقایسه محارم در تورات و قرآن

در احکام با موضوع محرمیت و ارتباط با محارم تفاوت‌های زیادی بین تورات و قرآن وجود دارد که در ادامه می‌خوانیم:

تورات: (هیچ کس نباید زشتی هایش را آشکار کند، من خداوند هستم. برهنگی پدر و مادرت آشکار نیست. مادرت کشف عورت نمی‌کند. برهنگی زن پدرت را آشکار نکن، این برهنگی پدرت است. برهنگی خواهرت، دختر پدرت یا دختر مادرت، چه در خانه زاده شده باشد و چه بیرون، کشف نکن.

برهنگی دختر پست یا دختر دخترت، نباید کشف شود. برهنگی دوست، برهنگی دختر زن پدرت که از پدرت به دنیا آمده است، برهنگی او را آشکار مکن، زیرا او خواهر دوست است. برهنگی خواهر پدرت را آشکار نکن. او از اقوام پدر شماست. برهنگی خواهر مادرت معلوم نیست؛ او از بستگان مادر شماست. برهنگی برادر پدرت آشکار نمی‌شود. برهنگی عروس آشکار نمی‌شود، او همسر پسر شماست. برهنگی او را آشکار نکن، برهنگی زن برادرت را آشکار نکن. این برهنگی برادرت است. (لاویان ۱۸: ۶-۱۸)

قرآن کریم: خداوند می‌فرماید: «مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمه‌هایتان، دختران برادرتان، دختران خواهرتان، مادرانی که به شما شیر داده‌اند، خواهرانتان با شیر دادن، مادران همسرانتان، حرام هستند. و دختران ناتنی ات که در حضانت تو هستند از میان زنانی که با آنها ازدواج کردی اگر با آنها ازدواج نکردی بر تو و زنان پسرانت که از صلب تو هستند گناهی نیست و بی‌آوری. با هم دو خواهر، مگر آنچه قبل از آن بوده است» (نسا/ ۷) قبل از بررسی دو متن، متن تورات را بری از تحریف فرض می‌کنیم. آنچه مهم است این است که آیا متن قرآن برگرفته از متن تورات است؟ قرآن در همه جا خطاهای تورات را تصحیح کرده است و این همان معنای مهمی در کلام الهی است که قرآن بر همه ادیان دیگر تسلط و جامعیت دارد. در مورد مسائلی که در تورات تحریف نشده بود، قرآن آنها را تصدیق کرد، و یا تورات و انجیل را به نحوی که خداوند قبل از تحریف و تغییر به آنها نازل کرد، تأیید کرد.

محارم رضاعی در تورات

تورات از نظر شیر دادن مساله نسب را تعیین نکرده است. ازدواج با زن دایی و خاله حرام است. ازدواج زن برادر با برادر حرام است. از حرمت ازدواج زنان با مردان دیگر در حالی که عقد آنها صحیح است، سخنی نیست. نهی غالباً ناظر به خویشاوندی از یک طرف غیر از شوهر است، مانند خویشاوندی پدر، مادر، عمو و

محارم رضاعی در قرآن

شیر دادن به آنچه از نسب حرام است، حرام است. نه ازدواج با زن دایمی ممنوع است و نه خاله گفتن او، نکاح زن برادر به برادرش، در صورتی که او را طلاق دهد یا برادرش فوت کند، حرام نیست. ازدواج با زنانی که در عقد فعلی با دیگران ازدواج کرده اند، ممنوع است و آنها را زنان پاک توصیف می‌کنند. قرآن، مسائلی را که در تورات دچار تحریف نشده بود، تصدیق کرده است، یا هر آنچه خداوند قبل از تحریف بر آنها نازل کرده است، تأیید می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

تفاوت اساسی بین تورات و قرآن حول وجود و عدم وجود متن اصلی است، به گونه ای که قرآن عین وحی است که چون بر پیامبر (ص) نازل می شد، بلافاصله نوشته می شد و یا قاریان و حافظان بی درنگ آن را حفظ میکردند و مسلمانان در نمازهای یومیه خود، تکرار می کردند. پیامبر آیات را در سوره هایی با نظارت خود تنظیم کرد که بلافاصله پس از رحلتش با نظارت امام علی (ع) و همچنین در دوره خلفا با حساسیت های زیادی همچون وجود شاهدانی بر آیات و سوره ها تدوینی دوباره یافت.

و اما فرآیند تدوین تورات (برخلاف قرآن) در زمانی طولانی اتفاق افتاد. برخی قسمت های تورات هشتصد سال بعد از موسی (ع) نگاشته شد. (باربور، ایان ۱۳۶۲: ۱۳۰) و حتی جریان وفات موسی و دفن و مراسم عزاداری او در عهد عتیق آمده است. (سفر تثنیه، باب ۳۴). مطابق نظر محققین (سعیدی روشن، ۱۳۹۸: ۱۶۹) تورات مخالف علم و آمیخته با خرافات و تناقضات درونی شده است. با توجه به این حقیقت که کتاب های مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ره آورد برداشت علایق و سلیق صدها انسان، با انگیزه های گوناگون است که در مدت هزار و پانصد سال تألیف شده است. (هاکس، جیمز، ۱۳۷۷)، از این رو بسیار طبیعی است که ناسازگاری های فراوانی در خود داشته باشند. از سوی دیگر مشاهده می شود که با چشم پوشی از تفاوت های جدی، سبک و محتوای نوشته ها نیز در موارد متعددی ناهمخوانی و تعارض دارد. (همان: ۱۶۰)

به رغم تفکر سنتی حاکم بر جوامع یهودی - مسیحی که نگاشته های مندرج وحی در عهد عتیق و عهد جدید را الهام الهی به انبیا و قدیسان تلقی می کردند؛ این کتاب ها نه همان نازل شده بر موسی (ع) و عیسی (ع)، که تاریخ دیانت بنی اسرائیل و حوادث و رخداد های زمان آنها است که انسان های معمولی، در طول زمانی دراز، نگاشته اند. گرچه برخی هنوز هم تلاش می کنند تا اعتبار و وثاقت کتاب های مختلف عهدین را اثبات کنند (تیسن، هنری بی تا: ۵۰ - ۶۰)، ولی خود می دانند که این، تلاشی بی ثمر است و اذعان دارند که مطالبی در این کتب مندرج است که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. (همان: ۶۹) سپس نظریه تأثیر پذیری از فرهنگ زمانه که می توانست در مورد کتاب مقدس تا حدودی درست باشد، توسط مستشرقان به قرآن سرایت داده شد و اثر پذیری کامل قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی موجود در جزیره العرب معاصر ظهور اسلام مطرح شد. قرآن کتابی کاملاً متفاوت با تمام کتاب های آسمانی و غیر آسمانی است. نه مانند اناجیل، مجموعه ای از سخنان و موعظه ها و معجزات مسیح است، نه مانند اوستای زرتشتی، مصاحبه ها و پرسش های خداوند. قرآن کتابی است که به گاه شماری و تاریخ اهمیت نمی دهد، به مکان ها و شهرها اهمیت نمی دهد، از محدوده زمان و مکان فراتر می رود. کتابی

که جز نام انبیا و رسولان به نام مردم اهمیت نمی‌دهد. مثل هیچ چیزی نیست که قبل از آن یا بعد از آن باشد؛ کتابی منحصر به فرد است که مانند کتاب‌های بشری نیست که از فصل تشکیل شده و دارای فهرست، ترتیب، آغاز و پایان است. بلکه نواری است در هم تنیده و مبسوط که از موضوعی به موضوع دیگر، از داستان انبیا تا احکام و تشریح، از عبادات تا حکمت و مواعظ، از مکارم اخلاق تا علوم هستی. از همزیستی، رحمت و زیبایی گرفته تا هشدار، تهدید و عذاب، از عالم شهادت تا عالم غیب.

خدا در قرآن، مستقیماً پیامبر خود و مردم را با کلماتی شیوا، هماهنگ، متعادل و روان خطاب می‌کند. تعبیری مانند ای رسول، ای مردم، ای اهل ایمان، ای اهل کتاب و حاوی علمی است که در قرن هفتم هیچ کس در روی زمین آن را نمی‌دانست و حتی تصور نمی‌کرد و به همین دلیل فقط می‌تواند از کسی باشد که اسرار جهان خلقت را می‌داند.

در نقطه مقابل، شواهد زیادی وجود دارد که تورات؛ عهد عتیق یا حتی پنج کتاب اول در زمانی غیر از زمان موسی (ع) نوشته شده است و روایت عهد عتیق یک روایت بشری است. (پیدایش، ۱: ۱)

وجود تناقض در نام‌ها و اعداد عهد عتیق آشکار است به عنوان مثال یوحنا الهی (مکاشفه ۴: ۷-۸)، نام پسران شمعون ذکر شده در کتاب پیدایش (پیدایش ۱۰: ۴۶) با نام پسران شمعون ذکر شده در تواریخ اول (اول تواریخ ۴: ۲۴) در تضاد است و یا تعداد کسانی که از خانه یعقوب به مصر آمده‌اند؛ در کتاب پیدایش (پیدایش ۲۶: ۴۶-۲۷) با تعداد آنها در کتاب اعمال رسولان متفاوت است. (اعمال رسولان ۷: ۱۴) عهد عتیق گاهی اوقات نوشیدن شراب را ممنوع می‌کند (لاویان ۸: ۱۰-۹) و (اعداد ۳: ۳-۴) و در مواقع دیگر مشروب را مجاز می‌داند و به ما می‌گوید که خود انبیا اجازه داده بودند و مشروب می‌نوشیدند! (پیدایش ۱۹: ۳۲-۳۵) و نیز رواج جواز خشونت و کشتار (فرهنگ اصطلاحات مجاز و تحریک به قتل در کتاب مقدس و همتایان آنها در قرآن)، رواج زمینه‌های جنسی زشت (واژه نامه اصطلاحات جنسی در کتاب مقدس و مشابه آنها در قرآن) و رواج نژادپرستی در عهد عتیق، همه و همه مؤید این نکته است که در موضوع پژوهش حاضر، یعنی پرورش فضائل فردی و اجتماعی، تعالیم تورات به جای مانده، تعالیم بشری است و با آموزه‌های الهی قرآن کریم در بسیاری از موارد در تناقض است.

فهرست منابع

«قرآن مجید»

- ۱) «کتاب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید»
- ۲) ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، ج ۳. دارالصادر، بیروت
- ۳) باربور، ایان (۱۳۶۲) *دین و علم*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، مرکز نشر، تهران
- ۴) بهارنژاد، زکریا. (۱۳۹۲). *فضیلت از دیدگاه ملاصدرا*، خردنامه صدرا، شماره ۷۴
- ۵) توفیقی، حسین (۱۳۸۵ش)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چاپ هشتم. انتشارات سمت، تهران
- ۶) تیسن، هنری (بی تا)، *الهیات مسیحی - حیات ابدی*، مترجم ط. میکائیلیان
- ۷) خرمشاهی، بهاء الدین؛ (۱۳۸۹)، *قرآن پژوهی ج ۱*، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۸) سعیدی روشن محمدباقر (۱۳۹۸)، *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
- ۹) سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۷۹)، *نقادی کتاب مقدس، دو فصلنامه هفت آسمان*، شماره ۸، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم
- ۱۰) *کتاب مقدس (۱۳۸۴. ش)*، انجمن پخش کتب مقدس، نشر ایلام.
- ۱۱) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۱۲) نینیان اسمارت (۱۳۹۸)، *تجربه دینی بشر*، ج ۲، ترجمه مرتضی گودرزی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۳) هاکس، جیمز (۱۳۸۳)، *قاموس کتاب مقدس*، ترجمه میرزا اسماعیل صدیق نوذری، چ دوم، انتشارات اساطیر، تهران.